

رسیدن به ریاست شهربانی

پس ماجرای شکست زاهدی در فارس، او یک سال بیگانه بود تا اینکه پهلوی اول او را می‌بخشد و برای دلجوئی و فدرالیتی از خمایشش به ریاست کل شهربانی منسوب می‌کند. اما یک ماجرای عجیب دوباره او را مقرب پهلوی اول کرده و تا پایان شهریور ۱۳۲۰ بدون دست‌محل استثنای باکسوری باقی می‌ماند. اما تجویب این که می‌باید چه جور جاسوسی برای آلمانی‌ها را بر لایف‌لینکس‌ها به‌فلسطین تعهد می‌شود. اگر ابراهیم صفایی در کتاب «زندگی پهلوی» می‌نویسد: «در زمان ریاست شهربانی زاهدی یکی از نمایندگان معروف به پناه می‌رفتند و «فوریس» انگلیسی که به اتهام جاسوسی دستگیر شدند زندان قصر فرار کردند. این واقعه باعث شد، او از طرف رضاحان از پوینسان ملیان نظامی منع می‌شود. زندگانی او با شفاعت عده‌ای آزاد شد و به سمت سر نظامی ریاست باشگاه اسنن برگریده شد. اما تا شهریور ۱۳۲۰ خورشیدی شغل جاسوسی به او داده نشد... در دی ۱۳۲۰ خورشیدی، زاهدی با اجازه پهلوی دوم از سوی وزارت جنگ به خدمت دعوت شد و در درجه سرلشگری به فرماندهی لشکر اسفهان منصوب شد. زاهدی در جنگ جهانی دوم به علت فعالیت‌ها و هواداری‌هایی که از نازی‌ها می‌کرد توسط انگلیس‌ها دستگیر و به‌فلسطین تبعید شد. گفته می‌شود برای حفظ امنیت منطقه فارس و اسفهان با خان‌های منتفخ بخاری و قشقایی روابط دوستانه برقرار کرد. «جاسوس آلمانی به اسفهان رفت تا با کمک زاهدی در تسبیح‌فشان قبایل جنوب ایر حذب بر حکومت موزی، هم‌زمان با ورود آتش آلمان به شد... زاهدی پس از سه سال تبعید به ایران آمد»

زاهدی و جبهه ملی

بعد از اینکه هزیر ترور می‌شود، پهلوی دوم زاهدی را به سمت شهربانی کل کشور منصوب می‌کند. حاله که هزیر ترور شده است و مشخص شده که ترور او به خاطر نقاب‌اش برای انتخابات مجلس بوده، به نظر می‌رسد که زاهدی حساب کار دستش آمده باشد. پس ثبوت به جبهه ملی و عوامل نهضت وقت است که با رئیس برماجری شهربانی از رباط میگردد و او را برای ملی شدن صنعت نفت همراه خود کند. آنچه از مطالب تاریخی برمی‌آید این است که زاهدی در برپرزوم از آیه خواستگاری مجلسی‌ها تا ندادن به خاطر باور به آرمان آنها، ابراهیم صفایی و محمود طلعوی در کتاب‌های خود درباره این هم‌راهی و ارتباط نفی می‌گویند: «پس از ترور هزیر، روزی دربار، رئیس شهربانی از کار برکنار شد و از سوی شاه، زاهدی به ریاست شهربانی منصوب شد. جبهه ملی برای موفقیت در انتخابات مجلس شورای ملی بر آن شد، تا با زاهدی از رباط فرار کند و سرانجام نواقصند، او را برای پشتیبانی از جبهه ملی در جریان انتخابات تهران همراه سازند. کمک زاهدی در موفقیت جبهه ملی تأثیر زیادی گذاشت البته، رقابت بین زاهدی و روزم از آن موقع در رأس ستاد ارتش بود. به پیروی دیگر مصدق و باران او انجامید. در واقع این زاهدی مبارزه خوبی با روزم از آن بود، نه علاقه و اعتقاد به دیگر مصدق، ولی همین امر روابط دوستانه‌ای بین آن دو به وجود آورد. این هم‌کاری که فضای ملی شدن صنعت نفت را امیابتر کرده بود، زاهدی را برای حضور سیاسی بیشتر شایق کرد. زاهدی تصمیم گرفت وارد دایه سیاست شود. لذا در ۲۸ بهمن ۱۳۲۸ وارد مجلس شد. سنا و به سناتور می‌رسید با ترور روزم از او روی کار آمدن دولت بیسار محافظه کار و کوتاه مدت حسن علاء فضل الله زاهدی که سناتور همدانی ها بود به مقام وزارت کشور رسید و در دولت علاء جامی دست و پا کرد. علاء کار رفت و مصدق به نخست وزیر رسید به مقام وزارت زاهدی دست‌زد و بدین ترتیب، فضل الله زاهدی از اعضای کابینه دیگر مصدق شد. دولتی که نفت را ملی کرد و سیاست‌های خاصی ضد استعماری این در جهان صدا کرد بود.»

پیشینه آقای کودتا

زاهدی سال ۱۳۲۶ خورشیدی در شیرین همدان متولد شد. از کودکی به مسائل علاقه داشت و بالاخر بعد از پایان تحصیلات متوسطه این به مدرسه نظامی رفت. خیلی زود به چر که فرای با پوست و وزیر دست رضاحان شد. جالب تر این نکته این است که زاهدی پس از کودتای ۲۸ مرداد در ارتش وقت ۱۳۲۹ به همراه رضاحان پدوشم کودتا را خیلی خوب بلد بود. دست طلوعی مهدی نیا و صفایی در کتاب «ما هاشان را چه پیشه کردیم» می‌نویسد: «زندگی سیاسی سپید زاهدی» و «زندگی نامه سپید زاهدی اطلاعات بسیار جالب درباره پیشینه کودکی او تا رسیدن به ریاست کل شهربانی نوشته اند: «تیروی قزاق ترفی در ۲۵ سالگی به درجه سروانی رسید. شهربانی در اسفهان که فرماندهی آن را بر عهده داشت، زاهدی در درجه باوری با سروانی رسید بود. زاهدی الفسر زیر دست رضاحان بود که همراه او در جنگ «جنگلی‌ها» و «جنگلی‌ها» در گیلان شرکت کرد. هنگامی که رضاحان به درجه سرانچی رسید، رئیس زاهدی هم سرنگ شد. زاهدی در کودتای ۱۳۲۹ خورشیدی همراه اسنن تحت فرمان رضاحان شرکت کرد. در بهار ۱۳۲۰ خورشیدی «آذربایجان» «قزاق نامی شد. در این منطقه خلسی استعمار آفاسنتفوق علیه وطنیان برقرار است. زاهدی با حمله بر قلعه جهریز بر او پیروز شود و به موجب این پیروزی مسئول نشان ذوقفار و آزادی را از رضاحان بگیرد. زاهدی مأمور محافظت شیرین نشی شیخ خزعل در خوزستان بود. او نواست شیخ خزعل را دستگیر کند. پس از این مأموریت زاهدی از طرف رضاحان به فرماندهی کل نیروهای خوزستان و فرماندار نظامی آن منطقه منصوب شد. زاهدی در آغاز با رضاحان پهلوی اول به ریاست کل امنیه مملکتی (انتابری) منصوب شد. در فروردین سال ۱۳۰۸ خورشیدی عازم جنوب شد، تا در سرکونی شورش مسلحین در آن استان کند. اما زاهدی در این مأموریت موفقیت یافت و به دستور رضاحان خلع گردید.»

سنگ بنای اختلاف

دوستی و مراودات زاهدی با مصدق طولی کشید چرا که در ۲۰ بهرمه ۱۳۲۰ خورشیدی در بهارستان انقلاقی افتاد که زاهدی را از کابینه مصدق خارج کرد. ولی اندک در بر رو نهضت ملی شدن صنعت نفت قرار داد صفایی در کتاب «زندگی پهلوی» می‌نویسد: «در بهرمه ۱۳۲۰ خورشیدی طهرن بین تمامینده روز پس جهمپور ایبریکار کرد تهران، بعد مردم در میان بهارستان نخلان آن کرد که با ملیک‌پناه وهای بیسی و کشمیش نخل کشندگان همراه بود. کتر مصدق که مخالف نیز بود، رئیس شهربانی را مقصر دانست که بدون کسب اجازه دستور برقراری داده است و سرلشگر قبایی را از کار برکنار کرد. زاهدی در اعتراض به اظهارات مصدق برکناری رئیس شهربانی از وزارت کشور استعفا داد. ولی از استعفا انکار اوچندی بعد در اندیشه نهضت و زیری «انفاد» ماجرای بعدی که مصطفی قاجار در کتاب «۵۰ سال نقض ایران» و «وامت کرده است» کار زاهدی با دولت مصدق را به جای تاریخ بر یک کشنده و روابط زاهدی و مصدق را تا مرز اتهام به قتل باز داشت. های متعدد و تلاشی برای برقراری دولت مصدق رسفا، مساللی که کار حکومت های زاهدی را همزیر می‌آورد که به هر طریق به همکاری هر شخصی دولتی برای سرنگونی دولت مصدق شدن صنعت نفت تلاشی کند. «حکومت دولت مصدق چندی در بانکست و زیر «موم استقامت» محقق شد. مصدق پس از زماندار مجدود و مسال ریس آمده شد. حاسی زهدود که با قدرت ادرار قیسه اختصاری خود در آورد. از این به بعد بسیاری از سنابور، با مباحث کارهای دولت مصدق شدند و که بحال این مخالفت‌ها انداخت. با بنایست سیاستی از فوج دولت خود دفاع می‌کرد. زاهدی در سرسختانه‌ای برقراری دولت تلاشی می‌کرد از روز دیگر مصدق به فکر بنیست مجلس استعفا و به موجب طرحی که در آبان ۱۳۲۱ خورشیدی به تصویب مجلس شورای ارانیست. مجلس ستار استعفا کرد پس از تحال آن زاهدی موم و دیگر رفقا روزی بار گرفت. یک بار هم در ۴ اسفند ۱۳۲۱ خورشیدی به استناد قانون حکومت نظامی بازداشت شد. اما چون بازداشت زاهدی در میان ارتش برای دولت زاهدی نامطلوب است، آزاد شادولی در روز ۱۳ اردیبهشت ۱۳۲۱ پس از کشنده شدن یکی از اسنن طرفدار دیگر مصدق سر سبب «ضمان فوری» رئیس شهربانی که مصدق منصوب کرده بود. چند تن از مخالفان دولت و از جمله سرلشگر زاهدی و دشمن زاهدی منتم به فضل او شدند و در ۱۱ اردیبهشت در مجلس سرانجام تصویب شد» ادامه دارد...

منابع:

- ۱- کتاب «زندگی نامه سپید زاهدی» نوشته ابراهیم صفایی
- ۲- کتاب «۵۰ سال نفت ایران» نوشته مصطفی قاجار
- ۳- «مازنگران عصر پهلوی» نوشته محمود طلوعی
- ۴- کتاب «زندگی سیاسی سپید زاهدی» نوشته جعفر مهدی نیا



نگاهی به آراء و احوال فرمانده کودتای نفتی مرداد سال ۱۳۳۴ خورشیدی (بخش اول)

چکمه‌های زاهدی و یک کودتای نفتی

شاید در میان همه جهره‌های سیاسی عصر پهلوی دوم، هیچ جهره‌ای جنجالی‌تر از فضل الله زاهدی در مقاله کودتای ۲۸ مرداد که بعد از محمد مصدق به نخست‌وزیری رسید، وجود نداشته باشد. او که ۲۸ مرداد را در تاریخ ایران به روز عجبی تبدیل کرد، در می‌آورد، او را امانت، او را امجالی داد و عیان حکومت را از دستش در آورد. دربار به آمدن و فرود آمدن، فضل الله زاهدی سخنان بسیاری وجود داد اما در مطلب پیش رو کوشیده‌ام تا زندگی و احوال در مقاله کودتای نفتی تاریخ معاصر ایران را از زوایه جدیدتری مورد بررسی جمالی قرار دهم.